

بررسی میزان تفکیک انواع برنامه درسی (تجویز شده، اجرا شده و تجربه شده) صنف چهارم مکتب تجربوی سید جمال الدین: مضمون ساینس

نورالله حضرتی^۱

محمدحیدر یعقوبی^۲

چکیده

برنامه درسی، یکی از شاخه‌های مهم تعلیم و تربیه امروز است. این اهمیت به دلیل تأثیر آن روی یادگیری می‌باشد. رابطه یادگیری با تنظیم برنامه درسی یک رابطه معنادار و مستقیم است. به طور معمول سه نوع برنامه درسی وجود دارد، برنامه درسی یا نصاب تجویز شده که از طرف دولت و یا نهاد مرتبط ساخته می‌شود؛ برنامه درسی اجرا شده که از طرف معلمان، مدیران در مکاتب اجرا می‌شود؛ و بعد از تطبیق نصاب اجرا شده؛ شاگردان چه چیزی را یاد می‌گیرند و آن را در محیط آموزشی تجربه می‌کنند، نصاب تجربه شده می‌گویند. پرسش این است که بین این نصاب‌ها به چه میزان فاصله وجود دارد؟ این تحقیق به روش کیفی به اساس مشاهده میدانی و ارزیابی تدریس استادان مضمون ساینس صنف چهارم دخترانه مکتب تجربوی سیدجمال الدین افغان صورت گرفته است. در مرحله اول، دو فصل از کتاب درسی هدف قرار داد شد و اهداف تعیین شده بر اساس نصاب تجویز شده مورد مشاهده صورت گرفت. در ادامه تمام فعالیت‌های تدریسی استاد ثبت گردید. در مرحله دوم یک فورم ارزیابی برای اندازه‌گیری چیزهای که شاگردان یاد گرفتند، آماده شد؛ و به‌طور شفاهی و کتبی توسط شاگردان خانه پری شد. در مرحله سوم، تمام معلومات که جمع‌آوری شده بود، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتیجه‌ی این تحقیق نشان می‌دهد که در این مکتب یک تفاوت کلان بین نصاب تجویز شده، نصاب اجرا شده و نصاب تجربه شده وجود دارد. معلمان ساینس این مکتب از نصاب فقط کتاب درسی را می‌شناسند و بالای آن تمرکز اساسی دارند؛ و محتوای پشت این کتاب‌ها که شامل اهداف، استراتژی‌های تدریس، معلومات اضافی و موارد دیگری که به کیفیت تدریس و یادگیری کمک می‌کنند، کمتر مطلع هستند.

واژگان کلیدی: برنامه درسی تجویز شده، برنامه درسی اجرا شده، برنامه درسی تجربه شده

۱. عضو علمی نصاب تعلیمی وزارت معارف افغانستان؛ شماره تماس: ۰۷۰۵۵۲۶۵۵۹؛ ایمیل آدرس: nohazrti1992@gmail.com

۲. استاد دانشگاه بین المللی المصطفی (ص) - افغانستان، شماره تماس: ۰۷۹۴۴۱۲۳۳۴؛ ایمیل: mhyaghobi32@gmail.com

مقدمه

به دلیل اینکه افغانستان سیستم آموزشی متمرکز دارد، طبعاً در چنین سیستمی نصاب به شکل تجویزی تدوین گردیده و مجری‌ها که شامل معلمان، شاگردان، والدین، مدیران مکاتب‌اند به گونه وفادارانه خواسته می‌شود که آن را به شکل کامل تطبیق کند. اما به نظر می‌رسد که در مکتب تجربی سیدجمال‌الدین بین نصاب تجویزی، اجرای و تجربی شکاف وجود دارد. در این تحقیق تلاش صورت می‌گیرد که به طور نمونه یکی از فصل‌های کتاب ساینس صنف چهارم را مورد بررسی قرار داده و با مطالعات دیگر کوشش شود که این فاصله کمتر شود. نظر به مطالعه نصاب‌های تجویز شده، اجرا شده و تجربه شده، هر قدر که فاصله بین این سه نوع نصاب در نظام‌های متمرکز مثل افغانستان کمتر باشد؛ یعنی نصاب خوب اجرا شده و تمام افراد دخیل در طراحی، اجرا و ارزیابی، خوب عمل کرده‌اند. پس سیستم آموزشی به طور موفقانه عمل کرده است.

واقعیت فیزیکی در میدان عمل نشان می‌دهد که بین نصاب تجویز شده، اجرا شده و تجربه شده تفاوت‌های و شکاف زیاد وجود دارد. مثلاً تحقیقات نشان می‌دهند که یک تعداد کمی از شاگردان به اهداف تعیین شده از طرف وزارت معارف دست نیافته‌اند. برای هر دوره و هر مضمون اهداف تعیین شده بر آورده نشده است. دلیل آن این است که نصاب تجویز شده از نظر محتوا خیلی حجیم و زمان‌بری مناسب در آن در نظر گرفته نشده است. محتوای درسی چنان تنظیم شده است که معلمان و شاگردان نظر به محدودیت‌های زمانی و علمی نمی‌توانند آن را به شکل درست و اساسی آن یاد بگیرند.

برای وزارت معارف لازم است که بر اساس ارزیابی دقیق در قدم اول سطح نظارت از فعالیت‌های آموزشی را بلند برده و تا حد ممکن از ضایع شدن وقت شاگردان و معلمان جلوگیری صورت گیرد. برای این هدف طرز العمل مناسب ساخته شده و در مکاتب اجرا شود. در دراز مدت لازم است که روی منطبق ساختن کتاب درسی بر اساس واقعیت‌های عینی جامعه ما مثل ظرفیت معلمان، امکانات استادان و شاگردان نصاب جدید را عیار گردد تا اینکه این خلأ و شکاف به وجود آمده بین نصاب تجویزی، اجرا و تجربی کاهش یابد و یا اینکه برای معلمان آزادی بیشتر برای نصاب اجرا شده داده شود تا ما نصاب تجربه شده‌ی با کیفیت داشته باشیم.

افغانستان به دلیل ساختار قومی، جغرافیای و مذهبی متنوع اش، همیشه سیاست‌های متمرکز

در آن به نسبتاً ناکام بوده و حکومت‌ها را به چالش کشانیده است. بحث معارف در افغانستان نیز به دلیل تأثیر پذیری از سیاست‌گذاری متمرکز نیز چالش و انحراف داشته است. در این تحقیق روشن خواهد شد که در بخش محتوای درسی کتب مکتب چقدر فاصله بین نصاب تجویز شده، انجام شده و تجربه شده وجود دارد؛ تا بر اساس این دریافت بتوانیم بهترین برنامه برای معارف افغانستان را تدارک ببینیم. در چندین سال آخر اکثری از تصامیم اتخاذ شده در معارف افغانستان به دلیل همین متمرکز بودن سیاست‌های غیر واقعی بوده و در میدان تطبیق و تجربه به شکل دیگری اجرای شده است.

برای اینکه بتوانیم مطابق به شرایط و واقعیت‌های عینی افغانستان یک سیستم آموزشی درست را طراحی کنیم، لازم است که از وضعیت که فعلاً حاکم است با خبری داشته باشیم؛ در روشنایی تصمیم بگیریم. بر اساس سند نصاب تعلیمی در هر ده سال باید روی پلان و برنامه درسی کار صورت گیرد. تحقیقات این چنینی برای دست‌اندرکاران معارف و به خصوص مؤلفین کتب درسی کمک خواهد کرد تا نصاب مبتنی بر واقعیت‌های عینی مردم افغانستان ساخته شود.

تحقیقات نشان می‌دهد که تنها یک تعداد کمی از شاگردان دوره متوسطه به اهداف تعیین شده از طرف وزارت معارف دست یافته‌اند و فعلاً در مورد مکاتب افغانستان این مسأله خیلی تکرار می‌شود که *Schooling without learning* یعنی تمام منابع مصرف می‌شود، مگر یادگیری که متوقعه صورت نمی‌گیرد. برای تمام افراد که در معارف افغانستان فعال هستند لازم است که برای حل این معضل کلان آموزشی و یادگیری در افغانستان اقدام به حد توانای خود داشته باشند. تحقیق این موضوع هم به دلیل وجود چنین چالشی امر ضروری پنداشته می‌شود. فرضیه‌های که وجود دارد در این مورد قرار ذیل اند:

- به نظر می‌رسد به دلیل نصاب متمرکز در بین نصاب‌های فاصله زیاد وجود داشته باشد.
- به نظر می‌رسد که به دلیل پیچیده بودن ساینس و مفاهیم آن این فاصله و شکاف بیشتر باشد.
- به نظر می‌رسد که معلمان به دلیل عدم دانش کافی اصل موضوع کتاب را تدریس نمی‌کنند و این سبب فاصله در بین نصاب‌ها می‌شود.
- به نظر می‌رسد که کمبود امکانات کافی، سبب این مشکل شده است.

رشته برنامه‌ریزی درسی، تاریخی به اندازه عمر انسان قدامت دارد؛ چون از زمان اولین انسان که حضرت آدم علیه السلام است تا به امروز برنامه‌یادگیری و آموزش به شکل متناسب زمان و مکان خودش وجود داشته است؛ اما برنامه درسی علمی به حیث یک موضوع تخصصی و رسمی از انتشار کتاب برنامه درسی توسط فرانکلین بوییت در سال ۱۹۱۸ م بر می‌گردد. انتشار این کتاب زمینه بحث و گفتگوها را در این حوزه مساعد ساخته و متخصصان تعلیم و تربیه شدند. تلاش برای هرچه تخصصی کردن این برنامه و تثبیت جایگاه آن در حوزه تعلیم و تربیه شدند. فعلاً در کشورهای مختلف دنیا رشته نصاب و یا برنامه‌ریزی درسی به حیث یک رشته تخصصی مستقل مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد. پروفیسور ویلیام هنری شوبرت مؤلف کتاب‌های برنامه درسی می‌نویسد «پیشینه برنامه درسی غیر رسمی به زمانی برمی‌گردد که انسان‌ها در جستجوی آموزش میراث گذشتگان به جوانان بوده‌اند. در قرن بیستم مطالعه برنامه درسی از سال ۱۸۹۰ م شروع شد که این رشته را بر اساس علمی استوار ساخته و کوشش کردند که سطح یادگیری را در شاگردان بر اساس مفاهیم تجربی افزایش دهند.

جریانی دیگری که موجب شکل‌گیری حوزه برنامه درسی شد، تأسیس دپارتمنت برنامه درسی و نظارت و تأسیس انجمن ASCD در دانشکده تربیه معلم پوهنتون شیکاگو در سال ۱۹۳۸ م بود. این بخش نقش کلیدی و تاریخی در گسترش برنامه درسی داشت. در سال ۱۹۱۸ م ویلیام کلی پاتریک کتاب روش پروژه را منتشر کرد که نوعی اصول سازماندهی برنامه درسی بود. در اجرایی این روش تدوین‌کنندگان برنامه درسی قادر خواهند بود پروژه‌های خاصی را ایجاد کنند که اراده درونی دانش‌آموز را بیشتر تقویت کند و بهتر به حرکت درآورد.

از مهم‌ترین تأثیرگذاران در برنامه‌ریزی درسی در دهه ۱۹۳۰ م هالیس کسول^۱ و داک کمپل بودند. کتاب آن‌ها با عنوان برنامه‌ریزی درسی (۱۹۳۵ م) اولین کتاب از سلسله کتاب‌های تلفیقی در زمینه برنامه درسی است. در دهه ۱۹۴۰ رالف تایلر کتاب اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی خودش را منتشر نمود. این کتاب کوچک بر اساس نظرات دیویی، چارترز، راگ، بد، مطالعه ۸ ساله سیلز و سایر منابع برنامه‌ریزی درسی تألیف شد. تایلر نظریه دیویی در مورد موازنه میان

1. Association for Supervision and Curriculum

2. Hollis Caswell

موضوع، یادگیرنده و جامعه را به عنوان پایه‌های برنامه‌ریزی درسی مورد تاکید قرار داد. در دهه ۱۹۵۰ یکی دیگر از کتاب‌های خلاصه در مورد برنامه درسی با نام «مبانی برنامه‌ریزی درسی» نوشته اسمیت، استانی و شورز منتشر شد. واژه‌ی برنامه درسی یا curriculum از ریشه‌ی لاتین Race course که به معنی میدان مسابقه و یا فاصله و یا مقدار راهی است که افراد باید طی کنند تا به هدف مورد نظر دست یابند (Zais, 1976). این تعریف بر اساس دیدگاه معاصر برنامه درسی نیز منطبق است. (حسن زاده، ۱۳۹۹)

انواع نصاب (curriculum): یکی از مباحث عمده در حوزه تعلیم و تربیت، به خصوص برنامه درسی تمرکز روی انواع آن می‌باشد. در مورد برنامه درسی و یا نصاب نظریات مختلف وجود دارد که هر کدام نظر به شرایط و سیاق خودش معنی و مفهوم خود را دارد. پوزنر در کتاب «تجزیه و تحلیل برنامه درسی» پنج نوع برنامه درسی را معرفی می‌کند که عبارتند از: برنامه درسی رسمی، برنامه درسی اجرایی و یا عملیاتی، برنامه درسی پنهان، برنامه درسی پوچ، برنامه درسی فوق برنامه. هر کدام از این برنامه‌ها به طور به هم تنیده در یک سیستم آموزشی عمل می‌کند. برنامه درسی، در حقیقت منعکس کننده‌ی آن چیزی است که معلم بدان امید می‌ورزد، برای آن ارزش قائل است، بدان اعتقاد دارد و بالاخره انتظار دارد که بتواند آن را برای دانش‌آموزان تحت نظر خود فراهم سازد. برنامه درسی در این سطح به درجه مهارت‌های حرفه‌ی، قابلیت‌ها و برداشت‌های معلم در خصوص تعلیم و تربیت، بستگی دارد. ایده اصلی در درک مفهوم برنامه درسی در سطح آموزشی این است که یک معلم در محدوده صنف درسی تصمیم‌گیرنده اصلی باشد. جریان برنامه‌ریزی درسی، مستلزم پیمودن مراحل نظیر نیازسنجی، تدوین هدف‌ها، انتخاب و سازماندهی محتوا و نیز تجربیات یادگیری، اجرا و ارزشیابی و برنامه‌ی مشتمل بر پنج مؤلفه پذیرفته شده، چارچوبی از فرضیات درباره یادگیرنده و جامعه، مقاصد و اهداف، محتوا و موضوعات درسی، شیوه‌های اجرا و ارزشیابی است.

شماره	نوع برنامه درسی	تشریحات آن
۱	برنامه درسی تجویزی (الزامی) ^۱	برنامه درسی که برای شاگردان از طرف دولت و یا نهاد آموزشی تعیین گردیده و مجرهای و شاگردان در آن دخالت ندارند.

۲	برنامه درسی نیمه تجویزی ^۱	بخشی از برنامه درسی که علاوه بر کمک به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، تعلیم و تربیت اختصاصی آنان را نیز در مورد توجه قرار می‌دهد و یک مقداری شاگردان و یا مجری‌ها در آن دخالت دارد.
۳	برنامه درسی غیر تجویزی یا اختیاری ^۲	تعدادی از دروس اختصاصی یا دروس مشترک داخل یا خارج از برنامه درسی یا رشته مربوط که دانش‌آموز که برحسب علاقه و استعداد خود انتخاب می‌کند.
۴	برنامه درسی کسب شده ^۳	برنامه درسی تجربه شده یا «کسب شده»، همان «برنامه درسی رسمی» تهیه شده است که در قالب کتاب‌های درسی تدوین و برای تدریس به مدارس ابلاغ می‌شود و معلم و شاگرد از طریق آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و از نتایج آن بهره‌مند می‌شوند. این برنامه درسی به صورت غیر قابل پیش‌بینی در شاگردان از یادگیری به وجود می‌آید. این برنامه بعد از ارزیابی شاگردان قابل فهم و اندازه‌گیری می‌باشد.
۵	برنامه درسی مستتر ^۴	آن دسته از متون غیر رسمی و غیر ملموس نظام ارزش‌ها، هنجارها، طرز برداشت‌ها و جنبه‌های غیر رسمی مراکز آموزشی، متشکل از پیام‌های ضمنی، فضای اجتماعی، فعالیت‌ها و نتایج آموزش‌های مدرسه‌ای که به‌طور آشکار در برنامه درسی قید نشده است، ولی به عنوان بخشی از تجارب آموزش در مکتب احساس می‌شوند.
۶	برنامه درسی ملی ^۵	سندی حاوی نقشه کلان برنامه درسی و چارچوبی برای نظام برنامه‌ریزی درسی کشور که چگونگی تدریس و یادگیری از میان مجموعه‌ای از موضوعات و سنجش‌های مرتبط، اهداف تربیتی در سطح ملی را به منظور تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت، به‌طور عادلانه تعیین و تبیین می‌کند.

مفاهیم جدول برگرفته شده از (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸) و دیگران.

شما اگر به یک صنف درسی نگاه دقیق بیندازید در آنجا فعالیت‌های مختلف اجرا می‌شود. خود پروسه‌ی یادگیری در یک صنف به شکل چوکاتی مانند سیستم یک ماشین به پیش نمی‌رود. یادگیری از عوامل مختلف متأثر است هرچند سطح این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متفاوت است. ممکن به اندازه‌ی که شاگردان در برنامه غیرتجویزی آزادی فکر و عمل دارند، دردیگر برنامه‌های درسی نداشته باشند.

1. core elective curriculum
2. Elective curriculum
3. Implements Curriculum
4. Hidden Curriculum
5. National Curriculum

نصاب‌های تجویز شده، اجرا شده و تجربه شده به طور به هم تنیده هستند. تأثیرگذاری و ارتباط بین آن‌ها نیز بر می‌گردد به اینکه فاصله بین آن‌ها به چه میزان است. اگر نصاب تجویز شده به طور ذره‌بینی و دقیق تطبیق شود و نظارت جدی بر تطبیق آن نیز وجود داشته باشد؛ طبعاً که شاگردان چیزهای را یاد می‌گیرند که برای‌شان درس داده شده و از آن ارزیابی صورت می‌گیرد.

مهم‌ترین نظریات و تعاریف که در مورد برنامه درسی است؛ قرار ذیل است:

۱. برنامه درسی به عنوان مجموعه‌ای از دروس یا برنامه‌ی برای مطالعه؛

۲. برنامه درسی به عنوان فهرست رئوس مطالب؛

۳. برنامه درسی به عنوان محتوای یک درس یا مجموعه‌ی از دروس؛

۴. برنامه درسی به عنوان برنامه‌ی زمانی برای تدریس دروس؛

۵. برنامه درسی به عنوان مجموعه‌ای از اهداف و مقاصد؛

۶. برنامه درسی به عنوان مجموعه‌ای از تجارب یادگیری (سیلور و الکساندر، ۱۳۷۲: ص ۳۴).

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به روش کیفی در مکتب تجربوی سیدجمال الدین افغانی که در محوطه‌ی ریاست تربیه معلم سیدجمال الدین در ولایت کابل قرار دارد، صورت گرفته است. این مکتب در سال ۱۲۹۲ ه.ش تأسیس و در سال ۱۳۸۰ ه.ش بازسازی شد. شاگردان در این مکتب بر اساس تفکیک جنسیت در دو تایم صبح و چاشت مصروف درس خواندن هستند. محیط مکتب تجربوی سیدجمال الدین خیلی سرسبز و پاک و آرام است. ۱۶ نفر ذکور و ۳۳ نفر اناث معلم دارد. از جمله این تعداد معلمین حدود ۱۶ نفر لیسانس، ۱۷ نفر ۱۴ پاس و ۳ نفر ۱۲ پاس هستند؛ در این تعداد کارمندان اداری نیز شامل اند.

این مکتب دارای ۱۸ صنف درسی و چهار اتاق اداری است. مدت ساعت درسی در این مکتب بر اساس پلان تعلیمی وزارت معارف در رمضان ۳۵ دقیقه و در غیر رمضان ۴۵ دقیقه انتخاب گردیده است. در بین ساعات درسی برای شاگردان تفریح وجود ندارد. به طور متوسط در هر صنف درسی حدود ۱۵ الی ۲۰ نفر شاگرد وجود دارد، در صنف چهار روزانه چهار ساعت درسی و یا سه ساعت نجومی درس می‌خوانند. معلمان در این مکتب از یونیفورم عمومی استفاده نکرده و

معمولاً لباس شخصی به مکتب می‌آیند. پسوند تجربوی در نام این مکتب به این معنی است که تمام برنامه‌های درسی جدید که در معارف طراحی می‌شود به‌طور آزمایشی در این نوع مکاتب تطبیق می‌گردد. از آن جمله نصاب قبلی که در سال ۲۰۰۷ م در افغانستان طراحی شده بود، نیز در این مکتب تطبیقی آزمایشی گردیده بود.

حجم نمونه			
تعداد افراد	موقعیت جغرافیای	صنف	فیصدی
۲۰ نفر	مکتب تجربوی سیدجمال‌الدین	چهارم الف	٪۵۱
۱۹	//	ب	٪۴۹

مشاهده میدانی در چهار جلسه درسی که در آخر هم با طرح یک ارزیابی جهت دریافت فاصله بین انواع نصاب‌ها به پایان رسید. تحقیق در سه مرحله صورت گرفته است. مرحله اول گرفتن اجازه از ریاست تربیه معلم وزارت معارف و جمع‌آوری معلومات از ساحه، مرحله دوم تحلیل معلومات به وجود آمده و مرحله سوم نتیجه‌گیری می‌باشد. در جمع‌آوری معلومات روش مشاهده مستقیم در فورمه که به این منظور تهیه گردیده بود، صورت گرفت. هدف این مرحله این بود که بر اساس مشاهده فعالیت‌های معلمان بتوانم، بین برنامه درسی دولت تجویز شده و برنامه درسی که خود معلم اجرا می‌کند، مقایسه کرده و میزان دوری و نزدیکی آنرا در یابم. چون اگر فاصله بین این دو برنامه بیش‌تر از حد معمول باشد، در این صورت استراتژی برنامه درسی تجویز شده باید تغییر کند.

در برنامه درسی تجویز شده دو نکته حائز اهمیت است، یکی اهداف تعیین شده؛ دوم محتوا که اهداف را برآورده ساخته بتواند. برای درک موضوع، من بین فعالیت معلمان و اهداف جمع محتوای تعیین شده مقایسه کردم. بعد از اینکه این مقایسه صورت گرفت بین برنامه درسی تجویز شده و برنامه درسی تجربه شده مقایسه صورت گرفت. برنامه درسی تجربه شده به این معنا است که شاگردان چه برنامه‌یی را یاد گرفتند و برای یادگیری خودشان چه برنامه دارند. برای سنجش میزان یادگیری شاگردان در کنار مشاهده میدانی فورم ارزیابی نیز توزیع شد. هرچند در صنف چهارم مکاتب افغانستان اندازگیری بر اساس ارزیابی تحریری کار مشکل است و تمام موارد یادگیری را

نمی‌تواند منعکس کند، مگر به حیث یک ابزار معمولی استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

روش کار من مشاهده مستقیم فعالیت‌های استادان مضمون ساینس صنف چهارم مکتب تجربوی سید جمال الدین است. بر اساس تقسیم اوقات درسی (پلان درسی اداره) من دوتا صنف چهارم را مشاهده می‌کردم. زمان مشاهده من از شروع الی ختم ساعت درسی بود؛ که این زمان در ماه رمضان به مدت ۳۵ دقیقه و در ماه‌های دیگر به مدت ۴۵ دقیقه وقت می‌گرفت. مشاهدات خود را در یک فارم جداگانه ثبت کردم و تعداد صنف‌های در نظر گرفته شده دو صنف چهارم الف و ب بودند. تعداد مشاهده‌ها به چهار می‌رسد که از این چهار مشاهده دو آن مربوط صنف الف و دو دیگری آن مربوط صنف ب است.

مشاهده اول					
جنسیت معلم	شاگردان حاضر - غیر حاضر	موضوع درس	زمان درس	صنف	تاریخ
زن	۵-۱۵	حیوانات اهلی	۳۵ دقیقه	چهارم الف	۴/۲/۱۴۰۱
خلاص مشاهده	<p>استاد وارد صنف شد، به شاگردان سلام داد و احوال پرسى کرد. مى‌خواست که به درس جدید شروع کند، اما از درس قبلى یادداشت‌های روى تخته باقى مانده بود که سه دقیقه وقت. درس جدید شروع شد، خودش متن درس را خواند و از شاگردان نیز خواست که متن درس پیش روى تخته به صدای بلند بخوانند. استاد به چک کردن کار خانگی‌ها شروع کرد که حدود هشت دقیقه وقت گرفت. در جلسه قبلى استاد اصلى مضمون غیر حاضر بود، استاد دیگری صنف را پیش برده بود. استاد به شاگردان گفت که درس جدید نمى‌خوانیم، درس گذشته را تکرار مى‌کنیم. استاد از درس گذشته پرسید و هم‌چنان تمام موضوعات کتاب را نیز شرح داد. به اتصال همین درس قبلى استاد به درس جدید شروع کرد، موضوع درس است؛ «حیوانات اهلی»، «انسان در خشک‌خانه زنده‌گی مى‌کند، پرنده‌ها در هوا زنده‌گی مى‌کنند؛ (مفهوم که در کتاب درسى وجود ندارد). شقایق دریای در دریا زنده‌گی مى‌کنند؛ زنده‌گی بقیه را توضیح داد (کلمات مثل لاروا، به رانشی، تنفس، او کسب‌کن منحل) که در کتاب نیستند نیز یاد کرد.» استاد کلمات کلیدی را در درس روى تخته نوشت. شاگردان یکی بعدی دیگری کلمات استاد را شرح می‌دادند. استاد فعالیت دو نفری را به راه انداخت، مگر اینکه روش اجرای فعالیت را برای شاگردان وضاحت نداد. استاد در جریان درس روى نظم صنف زیاد تاکید می‌کرد. استاد در آخر از شاگردان پرسید که آیا درس من جذاب است؟ کار خانگی هم در کتاب وجود داشت، و شاگردان را مکلف به آن ساخت که در درس بعدی باید آن را اجرا کنند. استاد در جریان درس پلان و ساعت دستى نداشت که فعالیت‌ها را بر اساس آن تنظیم کنند.</p>				

مشاهده دوم					
جنسیت معلم	شاگردان حاضر - غیر حاضر	موضوع درس	زمان درس	صنف	تاریخ
زن	۵-۱۵	نباتات	۳۵ دقیقه	چهارم ب	۷/۲/۱۴۰۱
<p>وقت که استاد وارد صنف شد، به شاگردان سلام داد و احوال پرسى کرد. استاد به چک کردن کار خانگی‌ها شروع کرد که حدود هشت دقیقه وقت گرفت. استاد از درس گذشته که حیوانات وحشی بود پرسید؛ وقت که از درس گذشته فارغ شد، استاد به درس جدید رفت و موضوعات آن را چنین پرسید:</p> <p>کسی می‌فهمد که نباتات چیست؟</p> <p>جواب: گل، درخت، آفتاب</p> <p>استاد: آیا آفتاب نبات است؟</p> <p>استاد متن درس جدید را خواند و از شاگردان خواش کرد شما نیز آن را بخوانید، همیشه توصیه می‌کرد که «در وقت خواندن متن کتاب بی حرکت باشید» استاد در جریان درس صنف را ترک کرد و یک نبات را همراه خود آورد، آن را به شاگردان تشریح کرد. بعد از تشریح وقت شاگردان پیش روی تخته می‌آمدند، استاد کوشش می‌کرد که حرف از زبان شاگرد بگیرد و خودش تشریح کند، استاد همیشه کوشش می‌کرد که زیاده‌ترین فعالیت را خودش انجام دهد. دوبار درس را تکرار کرد، از شاگردان پرسید آیا بار دیگر هم می‌خواهید برتان تشریح کنم، تعداد زیادی شاگردان گفتند نخیر! مگر باز هم به تشریح کردن پرداخت؛ و با پاسخ شاگردان توجه نکرد. استاد فقط مثال‌های کتاب را برای شاگردان می‌گفت، فقط یک مثال از نباتات طبی به شاگردان گفت که آن جوانی بادبان است. فعالیت‌های اجرا شده در صنف زمان‌بندی نمی‌شد؛ چون پلان درسی وجود نداشت، ساعت ساینس آخر بود، شاگردان آماده‌گی گرفته بودند به ترک صنف که به مجرد شنیدن زنگ رخصتی صنف را ترک کنند، زنگ زده شد، شاگردان خواستند که صنف را ترک کنند، استاد گفت کار خانگی‌تان را بنویسید؛ چون استاد ساعت دستی و پلان برای تنظیم فعالیت‌های خویش نداشت.</p>					
مشاهده سوم					
جنسیت معلم	شاگردان حاضر - غیر حاضر	موضوع درس	زمان درس	صنف	تاریخ
زن	۵-۱۵	حیوانات اهلی	۳۵ دقیقه	چهارم الف	۴/۲/۱۴۰۱

<p>استاد کار خانگی را در صنف چک می‌کرد؛ روی املا و پاک بودن کتابچه پافشاری زیاد داشت. از شاگردان پرسید که در مورد کار خانگی نظر داده بودم؛ شما چرا اصلاح نگردید. استاد از درس گذشته پرسید: نباتات را نام بگیرید؟ نباتات یک‌ساله؟ نباتات چندین‌ساله؟ نباتات غذای انسان‌ها و حیوانات را تشکیل می‌دهد. در درس گذشته مشکل ندارید؟</p> <p>استاد درس گذشته را تشریح کرد. استاد شروع کرد به فعالیت گروهی و سرگروپ و موضوع مورد بحث را تعیین کرد، ولی تعداد افراد متجانس نبودند. استاد به‌طور اختیاری از شاگردان خواست که از هر گروپ فقط یک نفر بیاید و موضوع را تشریح کند. در صنف درسی یک مشکل وجود داشت؛ کتاب‌ها با چاپ‌های مختلف. استاد در جریان تدریس پلان درسی نداشت. کار خانگی در داخل کتاب وجود دارد.</p>					
مشاهده چهارم					
جنسیت معلم	شاگردان حاضر - غیر حاضر	موضوع درس	زمان درس	صنف	تاریخ
زن	۵-۱۵	حیوانات اهلی	۳۵ دقیقه	چهارم ب	۴/۲/۱۴۰۱
<p>وقت صنف شروع شد، استاد به چک کردن کار خانگی آغاز کرد که در آن فقط تاریخ روز و ملاحظه شد، نوشته می‌شد. استاد در مورد کار خانگی به این نظر بود که باید کار خانگی «خیلی منظم باشد و توسط والدین امضا شده باشد؛ چون در این صنف شما باید نوشتن را خوب یاد بگیرید» استاد از درس گذشته پرسید و آن را نیز تکرار کرد. استاد در جریان درس به گوش کردن دقیق توصیه می‌کرد. استاد از شاگردان سؤالات جدید پرسید و نبات در دست‌اش بود باریشه‌ی ذخیره‌ی. شاگردی پرسید آیا این ریشه کچالو است؟ استاد گفت نخیر، دیگر توضیح نداد. در جریان درس روی برگ و فعالیت آن تمرکز زیاد صورت می‌گرفت؛ که فابریکه‌ی غذاسازی است. من وقت از شاگردان پرسیدم که چطور برگ فابریکه است، پاسخ نداشتند. جواب این بود که این موضوع در کتاب است، پس درست است. استاد به بیشتر به تشریح مفاهیم می‌پرداخت و به سؤالات شاگردان توجه زیاد نمی‌کرد.</p>					

تجزیه و تحلیل مشاهدات

بر اساس مشاهدات ثبت شده در دو صنف چهارم الف و چهارم ب، بخش دخترانه مکتب تجربوی سیدجمال‌الدین چنین به نظر می‌رسد که این مکتب از نظر تعداد کارکنان و محیط آموزشی به مشکلات کلان مواجه نیستند. مشاهدات نشان می‌دهد که استادان بدون آمادگی قبلی و یا پلان درسی به صنف حاضر می‌شوند. فعالیت‌های که در داخل صنف اجرا می‌شوند از قبل برنامه‌ریزی وجود ندارد. معلمان مشاهده شده مضمون ساینس روی نوشتن خوب و پاک بودن

کتابچه‌های شاگردان، از یادگیری مفاهیم ساینسی تأکید بیشتر می‌کردند. اهداف که در در مورد مضمون ساینس صنف چهارم وجود دارد او اهداف دنبال نمی‌شود.

برای حدود ۱۰ سؤال محتوای که در فورم ارزیابی وجود داشت؛ شاگردان به جای نوشتن یک جمله با مفهوم فقط چند کلمه‌ی پراکنده کفایت کردند. بر اساس این ارزیابی چنین می‌توان گفت که بین آنچه که شاگردان یاد گرفته‌اند، و آنچه که اهداف آموزشی از طرف اداره تعیین شده است، فاصله‌ی زیادی وجد دارد. در سؤال ۵ (کدام موضوعات را می‌توانین به دیگران تشریح کنید، آن را حلقه کنید)^۱ تعداد ۳۵ نفر بین یک الی سه موضوع را انتخاب کردند، مگر حدود ۷-۸ نفر بیش از ده موضوع را انتخاب کردند. اما در سؤال ۴ (تاکنون از مضمون ساینس کدام چیزها را یاد گرفتین، لطفاً روی همو موضوع حلقه کنین؟) در این سؤال تعداد ۴ نفر بین یک الی سه موضوع را انتخاب کردند، مگر حدود ۳۵ نفر بیش از ده موضوع را انتخاب کردند. جواب‌ها نشان می‌دهند که شاگردان فکر می‌کنند که چیزی‌های زیادی را یاد گرفتند، مگر در صورت که حوزه شناختی و سطح دانش یادگیری طبقه بندی به لوم ارزیابی صورت گرفت، گزینه‌های خیلی محدود را انتخاب کردند. وقت که در برابر این سؤال مواجه شدند که موضوعات که فکر می‌کنید، یاد گرفتید برای دیگران تشریح کرده می‌توانید حدود ۳۵ نفر سه موضوع را انتخاب کردند. در رهنمای معلم مضمون ساینس صنف چهارم در مورد هدف فصل حیوانات این مضمون چنین نوشته شده است:

۱. شاگردان حیوانات را بشناسند.
۲. شاگردان اهمیت حیوانات اهلی را بفهمند.
۳. شاگردان باید با انواع نباتات آشنا شوند.
۴. شاگردان ساختمان نباتات را باید بدانند.
۵. شاگردان به اهمیت نباتات باید پی ببرند.
۶. شاگردان از نباتات باید محافظت کرده بتوانند.

وقت شما به این شش هدف که جریان تطبیق آن را من در صنف مشاهده کردم، چیزی در مورد بهتر نوشتن متن موضوع ساینس وجود ندارد. استراتژی‌های اتخاذ شده شامل، تشریح کردن، درست نوشتن و پاک‌ی در کتابچه و خط کشی کردن آن به جای اینکه رسیدن هدف مضمون ساینس

۱. ادبیات کودکانه به‌طور قصدی انتخاب شده است.

کمک کند، به اهداف مضمون دری کمک می‌کند. مثلاً اگر هدف شماره ششم را مورد بررسی قرار دهیم، این هدف بعد از تدریس موضوع نباتات از شاگردان توقع کرده است که از نباتات محافظت کرده بتوانند؛ مگر در جریان مشاهده تدریس موضوع نباتات این احساس برای من و شاگردان به وجود نیامد، موضوع به کار روز مره و زنده‌گی عادی ارتباط پیدا نکرد. در سؤال ۱۲ فورم ارزیابی من از شاگردان پرسیدم، اگر شما یگ گل در خانه خود داشته باشید، از آن چگونه حفاظت می‌کنید؟ اکثریت از جوابات مبهم بود، چون تحقق این هدف در جریان درس روی آن تمرکز نشده بود؛ معلمان آن را نخوانده بود و معلم آن را در جمله اهداف درسی خویش قرار نداده بود. «تدریس مضمون ساینس یعنی تشریح شفاهی مفاهیم ساینسی» این وضعیت تدریس ساینس بعد از مشاهده است. روی به وجود آوردن تفکر ساینسی و تجربی که ماهیت ساینس بر آن استوار است، برنامه‌ریزی صورت نمی‌گیرد.

جریان تدریس مضمون ساینس از شخصیت استاد نیز متأثر است. مشاهده نشان داد که استاد در عین حال که ساینس را تدریس می‌کند به تدریس علوم دینی و قرآن کریم نیز می‌پردازد. این دو ساحه آموزشی کاملاً از همدیگر مجزا هستند. استاد ساینس در جریان تدریس موضوع ساینس کوشش می‌کرد که مسائل را که در صنف قبلی در مورد اسلامیات درس داده بود به شاگردان تذکر دهد. یک قسمت از زمان اختصاص داده شده به مضمون ساینس را به تشریح مفاهیم جانبی دیگر مصرف کرد. این حالت وقت به وجود می‌آید که معلم برای صنف آماده‌گی نداشته باشد و بیشتر در جبر فضای ذهنی ساخته شده‌ی قبل از ساعت درسی مضمون که جدید درس می‌دهد، قرار می‌گیرد. در تدریس مضمون ساینس دانش مضمونی، روش تدریس مناسب و مواد کمک آموزشی ضرورت است. یک تعداد زیادی از این مواد کمک آموزشی که به‌طور ساده در محیط مکتب، لابراتوار و یا هم در بازار به قیمت بسیار ارزان پیدا می‌شود.

نتیجه‌گیری

این تحقیق به هدف دریافت میزان فاصله بین نصاب تجویز شده، نصاب تطبیق شده و نصاب تجربه شده صورت گرفته است. نصاب تجویزی عبارت از نصاب است که از طرف دولت توسط ریاست نصاب تعلیمی و ریاست‌های مرتبط دیگر به‌طور مرکزی و واحد ساخته شده و بالای تمام

شاگردان با رعایت زبان تدریس به‌طور یکسان تطبیق می‌گردد. نصاب تطبیق شده عبارت از برنامه درسی است که توسط معلم و یا نهاد آموزشی بالای شاگردان اعمال می‌گردد. چون در تطبیق یک برنامه، عوامل محیطی نیز دخیل است، از همین لحاظ تفاوت بین آنچه تدوین شده و آنچه تطبیق شده به‌طور قطعی وجود دارد. نصاب تجربی همان مسائلی هستند که شاگردان آن را فرامی‌گیرند. یادگیری در شاگردان نیز تابع فضای حاکم بر محیط یادگیری و وضعیت فردی شاگرد می‌باشد. اینکه محتوای یک نصاب چیست و اینکه تطبیق‌کننده‌های نصاب چه نقشی دارند، از اهمیت خاص برخوردارند؛ اما مهم‌تر از همه تجربه یادگیری شاگردان است؛ و اندازه‌گیری میزان تفاوت است که برای ارزیابی برنامه درسی به شدت به آن ضرورت داریم.

این تحقیق برای دست‌اندرکاران برنامه درسی کمک خواهد کرد تا هرچه بیشتر نیازهای شاگردان را درک کرده و با رعایت آن برنامه درسی را تدوین نمایند. در کشورهای مثل افغانستان به دلیل تسلط فضای اقتداری در سیاست و حکومت‌داری به شاگردان و مصرف‌کننده‌ها کمتر توجه می‌شود. نصاب که بار ارزشی در آن بیشتر از بار تخنیکی باشد، این وضعیت به وجود آمدنی است. لذا ضرورت است که به شاگردان و معلمان مراجعه اساسی صورت گیرد و با درک وضعیت و نیاز آموزشی زمینه را برای یادگیری موضوعات که بتواند روی شخصیت و زنده‌گی شاگردان مساعد کند، مهیا کنیم.

این تحقیق به حوزه کلان نیاز سنجی و ارزیابی مرتبط است. در صورتی که قبل از تدوین برنامه درسی نیاز سنجی صورت گیرد و بعد از تدوین کتاب ارزیابی؛ به‌طور طبیعی این فاصله بین انواع نصاب‌ها کمتر صورت گرفته و هر چند اگر تجویزی هم باشد؛ به شکل اساسی و خوب تطبیق می‌گردد.

بر اساس تحقیق، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در این مکتب یک تفاوت کلان بین نصاب تجویز شده، نصاب اجرا شده و نصاب تجربه شده وجود دارد. معلمان ساینس این مکتب از نصاب فقط کتاب درسی را می‌شناسند و محتوای پشت این کتاب‌ها که شامل اهداف، استراتژی‌های تدریس، معلومات اضافی و موارد دیگری که به کیفیت تدریس و یادگیری کمک می‌کنند، کمتر مطلع هستند.

پیشنهادات برای معلمان

۱. داشتن پلان درسی که تمام فعالیت‌های نظر به مدت ساعت درسی در آن به طور دقیق تنظیم شده باشد.
۲. داشتن یک ساعت دستی برای کنترل زمان
۳. درک هدف هر مضمون؛ اهداف مضمون ساینس تا اهداف مضمون دری متفاوت است.
۴. ساختن پلان بر اساس اهداف تعیین شده در رهنمای معلم

پیشنهاد برای وزارت معارف

۱. اضافه کردن یک ستون برای انجام فعالیت‌ها در ترقی تعلیم
۲. داخل کردن مکتب تجربوی سید جمال الدین در سیستم ارزیابی و نظارتی وزارت معارف
۳. تعقیب دقیق پلان‌های درسی معلمان
۴. جبری ساختن یونیفورم برای معلمان
۵. نیازسنجی دقیق از شاگردان، متخصصین و جامعه در مورد تدوین محتوای ساینس
۶. ارزیابی سیستماتیک برنامه درسی و دریافت خلاها و نواقص آن
۷. تدوین یک نصاب نیمه تجویزی در مکاتب که پرسونل با ظرفیت دارند، در هر شهر به طور نمونه‌ای (وزارت معارف فقط مفردات را بسازد، محتوای آموزشی تحت یک نظارت دقیق را بگذارد به معلمان)؛

برای محققان محترم که در این عرصه می‌خواهند تحقیق کنند؛ سؤالات ذیل باقی مانده است:

۱. چگونه می‌توان نصاب تجربه شده را اندازه‌گیری کرد؟ چون ما به تمام ساحات یادگیری شاگردان دسترسی نداریم.
۲. با در نظر داشت شرایط افغانستان، کدام نصاب می‌تواند به شکل درست عمل کند؟
۳. چگونه نصاب‌های ارزشی را می‌توان با دیدگاه‌های مسلکی غنی ساخت؟

منابع

۱. فتحی وارجارگاه، کورش. (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات بال.
۲. ملکی، حسن. (۱۳۸۸). مقدمات برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات سمت.
۳. لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۹۴). سنجش و اندازه‌گیری در علوم تربیتی و روان‌شناسی. تهران: سمت.
۴. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، تهران: نشر دوران.
5. Male, Brian and Waters, Mick, The Secondary Curriculum Design Handbook, continuum, 2012
6. C. Ornstein, Allan. P. Hunkisn, Francis, curriculum: foundation, principle and Issues, seventh edition, pearson 2018
7. Yaşar, Gülşah Coşkun and Aslan, Berna, Curriculum Theory: A Review Study, Curriculum, International Journal of Curriculum and Instructional Studies, published 2021-12-28
8. Wilson, Ed. D., Leslie Owen, Types of curriculum Definitions of the different types of curriculum, 1997
9. Kazemi, Sara Ashraf, Hamid Motallebzadeh, Khalil & Zeraatpishe, Mitra, Development and validation of an null curriculum questionnaire focusing on 21st century skills using the Rasch model, Published online: 16 Mar 2020.
10. <http://hoseinss-hasan-zadeh.blogfa.com/>